

را به انجام برسانید، همچنین دارای این قابلیت است که چشم شما را نسبت به هر اطلاعاتی که می تواند زندگی تان را برای همیشه تغییر دهد بسته نگاه دارد. آیا تا به حال با کسی روبرو شده اید که چنان در یقین کامل بسر برد که به ایده ها و اندیشه های جدید گوش فرا ندهد؟ اگر می توانستید از طریق نگاه دیگران باورهای خود را مشاهده کنید، فکر می کنید چه می دیدید؟



باورها عامل تمام رفتارهای ما هستند. در حالی که برخی از باورها فقط به یک جنبه زندگی ما اثر می گذارند، دیگر باورها بیشتر مُسری هستند. مثلاً یک باور خاص مثل «فلانی مردی نادرست است»، می تواند در ارتباطات متقابل تان موثر باشد، اما این باور که «مردم نادرست هستند» بسیار فراتر از یک شاخه ارتباطی گسترش می یابد.

باورهای جهانی همچون این مورد، معمولاً براساس عمومیت دادن شکل می گیرد که مدت ها تحت شرایط متعصبانه ای پدید آمده است. ممکن است آن باور را بکلی فراموش کرده باشیم، با این وجود به طرزی ناخودآگاه ما را در تصمیم گیری ها جهت می بخشد.

تأثیری که این باورها می توانند بر زندگی ما بگذارند نامحدود است، اما این باورها لزوماً نمی بایست منفی باشند: یک دیدگاه جهانی را تغییر دهید و با این کار جنبه های مختلف زندگی خود را در جهت بهتر شدن، تغییر دهید.



آیا برخی باورها پر قدرت تر از دیگر باورها هستند؟ قطعاً. سه سطح متفاوت یقین وجود دارد: **نظر، باور و ایمان**.

«نظر» را می توان به سادگی تغییر داد. زیرا براساس درکی گذراست. «باورها» بسیار قوی ترند زیرا یا براساس تجربیات مکرر هستند و یا موارد احساسی زیادی با آن پیوند خورده است. اما هنوز می توان این یقین را با طرح پرسش های جدید از میان برداشت. در سویی دیگر «ایمان»، با چنان شدت احساسی همراه است که شخصی که آن را در اختیار دارد نه فقط یقین را احساس می کند بلکه اگر در هر بحث منطقی، ایمان مورد سوال قرار گیرد، به شدت خشمگین می شود.

«ایمان» می تواند به طرزی باورنکردنی، پر قدرت و یا به طرز حیرت آوری نابودکننده باشد. کدام باور شما فقط نظریه است؟ کدام باور خود را احساس می کنید که درباره اش قویترید؟ آیا هیچ کدام از آن ها به سطح ایمان می رسند؟ ادامه دارد



می توانیم هر تصویری را به یک باور برسانیم، اگر به قدر کافی به تجربیات پشتیبانی کننده آن رجوع کنیم. کدام یک از این اظهارنظرها واقعیت دارند:

(۱) مردم اساساً خوب و صادقند.

(۲) مردم نادرست اند و فقط به فکر خودشان هستند.

آیا برای پشتیبانی از این باور که مردم اساساً فاسدند، به قدر کافی تجربیات دارید؟ اگر تمرکز خود را بر تجربیات دیگران متمرکز کنید آیا به سادگی به مدارکی دست نمی یابید که مردم اساساً صادقند؟

کدام یک از این باورها واقعاً حقیقت دارد؟ هر باوری که برای خودتان به وجود می آوريد برای شما حقیقت دارد.



درحالی که درک یقینی بدون تزلزل و قطعی می تواند به شما کمک کند که کارهای بزرگی